



بررسی جایگاه و کارکرد جهاد فرهنگی امامان معصوم (ع) در عصر اول عباسی

محمدتقی سازندگی

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه پیام نور قم Mt.sazandegi92@Gmail.com

چکیده

بی‌شک نقش گسترده‌ی امامان شیعه (ع) به عنوان «مجاهدان فرهنگی»، در حوزه‌ی تبیین دین و فرهنگ، غیرقابل انکار است؛ بدین‌رو امامان (ع) اهمیت ویژه‌ای به جهاد فرهنگی مبذول می‌داشتند و در سخت‌ترین شرایط با تمام همت و به صورت جهادی عمل می‌کردند و از هر فرصتی برای نهادینه کردن فرهنگ اسلامی بر اساس وحی و سنت پیامبر (ص) استفاده می‌کردند. این پژوهش به دنبال بررسی این مسأله است که «امامان شیعه» در «دوره‌ی اول عباسی» در مورد مسائل فرهنگی جامعه، چگونه موضع‌گیری می‌کردند و فعالیت‌های ایشان در زمینه‌ی «جهاد فرهنگی» چه بوده است؟ لذا هدف از این مقاله بررسی و تحلیل وضعیت فرهنگی جامعه‌ی اسلامی در عصر مذکور و شناخت روش برخورد و نیز نحوه‌ی موضع‌گیری سه تن از امامان معصوم (ع)، در مسائل فرهنگی است، تا با آگاهی از سیره‌ی فرهنگی، در عصر کنونی الگوبرداری کرده و تحولاتی در سبک زندگی امت اسلامی ایجاد نمود. در این مقاله، با بهره‌گیری از روش توصیف و تحلیل و بر اساس منابع کتابخانه‌ای، تلاش شده است، شیوه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی امامان (ع) در عصر اول عباسی را استخراج کنیم. یکی از نتایج و دستاوردهای این پژوهش، تبیین معیارها و ملاک‌های فرهنگی است که در سیره‌ی ائمه (ع) می‌توان از آن به عنوان «جهاد فرهنگی» نام برد. آسیب‌شناسی فرهنگی عصر اول عباسی و نیز بررسی سیره‌ی فرهنگی امام‌صادق (ع)، امام‌کاظم (ع) و امام‌رضا (ع)، در قالبی جدید از جنبه‌های نوآوری این مقاله شمرده می‌شود.

کلید واژه: امامان معصوم (ع)، عصر اول عباسی، جهاد فرهنگی، تهاجم فرهنگی، انحطاط فرهنگی.

۱. مقدمه

عصر اول عباسی (۱۳۲-۲۳۲هـ.ق) دوره‌ی گسترش ممالک اسلامی و تنوع فرهنگ‌ها و آداب و رسوم گوناگون بود، که موجب شکل‌گیری مکاتب و نحله‌های انحرافی در جامعه می‌شد و وضعیت بحرانی را در حوزه‌ی دین و فرهنگ، فراروی جهان اسلام قرار می‌داد، چرا که این عصر با پویایی و شکوفایی «تمدن اسلامی» مقارن بود و با آغاز موج جدیدی از «نهضت ترجمه» که در میان مسلمانان به وجود آمده بود و نیز رویکرد خلفای عباسی در این دوره به ترجمه‌ی متون غیراسلامی، موجب انتقال فرهنگ‌ها و آداب و رسوم تمدن‌های مجاور، به تمدن اسلامی شده بود و وضعیت بحرانی را در حوزه‌ی فرهنگ و اندیشه به وجود آورده بود. در این پژوهش سعی داریم تا با بررسی جایگاه و کارکرد «فرهنگ اسلامی» در عصر اول عباسی آشنا شده و برنامه‌های مهم و زیربنایی امامان شیعه در عرصه‌ی «فرهنگی» را که از آن به عنوان «جهاد فرهنگی امامان شیعه (ع)» یاد می‌کنیم، مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

۱.۱. طرح مسأله

محدوده‌ی زمانی این مقاله مربوط است به عصر اول عباسی (۱۳۲-۲۳۲هـ.ق) که مورخان از آن به عنوان «عصر طلایی» نام می‌برند. در این پژوهش با بررسی ادوار سه تن از امامان شیعه یعنی امام‌صادق (ع)، امام‌کاظم (ع) و امام‌رضا (ع) و تبیین اوضاع فرهنگی این عصر، فعالیت‌ها و مواضع امامان (ع) را بررسی می‌کنیم. این نوشتار در مقام بیان این مسأله است که امامان شیعه در دوره‌ی اول عباسی در مورد مسائل فرهنگی جامعه چگونه موضع‌گیری می‌کردند و فعالیت‌های ایشان در زمینه‌ی «جهاد فرهنگی» چه بوده است؟

۱.۱.۲. پیشینه

در این پژوهش، پیرامون پیشینه‌ی تحقیق نمی‌توان مستقیماً اثر قابل ملاحظه‌ای را معرفی نمود، البته کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری در مورد سیره‌ی فرهنگی اهل‌بیت (ع)، موجود است که هر یک به بخشی از موضوع این مقاله اشاره دارد. در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در این زمینه، با رویکرد فرهنگی صورت پذیرفته است که می‌تواند به این موضوع نزدیک باشد، مانند کتاب «اعلام الهدایه» اثر گروهی تألیف مجمع جهانی اهل‌البیت (ع) می‌باشد که مجموعه‌ای چهارده جلدی که در مورد سیره‌ی اهل‌بیت (ع) نگاشته شده است و کتاب «حیات فکری سیاسی امامان شیعه» نوشته‌ی «رسول جعفریان» و نیز کتاب «تهاجم فرهنگی» اثر «محمدتقی مصباح یزدی» و مقاله‌ی «امام‌رضا (ع) و خدمات فرهنگی» نوشته‌ی «محمدابراهیم ایزدخواه» که در فصلنامه‌ی علمی پژوهشی فرهنگ کوثر شماره‌ی ۶۷ به چاپ رسیده است. با توجه به تحقیقات انجام شده، اثری علمی به صورت مستقیم در رابطه با موضوع این پژوهش به صورت منسجم و روشمند در این قالب نگاشته نشده است؛ هرچند این منابع مورد مطالعه قرار گرفت و ما در جهت تکمیل مطالب و دسته‌بندی مسائل مربوط به حوزه‌ی فرهنگی امامان شیعه، در عصر اول عباسی از این منابع بهره جستیم.



۱.۳. ضرورت

با مطالعه‌ی وضعیت فرهنگی جامعه‌ی اسلامی در عصر اول عباسی، و تحلیل حوادث پیچیده‌ی آن عصر، شناخت جنبه‌های مختلف فرهنگی و نحوه‌ی فعالیت امامان شیعه و موضع‌گیری ایشان در برابر مسائل فرهنگی و اجتماعی، مورد اهمیت بوده است و با توجه به ضرورت نهادینه کردن فرهنگ و سبک زندگی اسلامی، و تأثیر آن در مدیریت فرهنگی و تمدن‌سازی، بایسته است که تحقیقی در این زمینه صورت پذیرد؛ تا با تبیین ملاک‌ها و معیارهای جهاد فرهنگی، جهت ترویج و تفهیم عقاید و باورهای صحیح و ابطال عقاید و افکار باطل، اعتقادات جاهلانه و باطل را از بین برده و معارف حیات‌بخش توحیدی و فرهنگ و آموزه‌های اهل‌بیت(ع) را به جامعه معرفی نماییم.

۱.۴. هدف

هدف از این پژوهش این است که با بررسی و تحلیل وضعیت فرهنگی جامعه‌ی اسلامی در عصر مذکور، از روش برخورد و نیز نحوه‌ی موضع‌گیری فرهنگی سه تن از امامان معصوم(ع)، در باب فرهنگ و سبک زندگی در عصر کنونی الگوبرداری و بهره برد و با آگاهی از سیره‌ی رفتاری ایشان، تحولاتی در زندگی امت اسلامی ایجاد نمود.

۱.۵. روش‌شناسی

در پژوهش حاضر با مطالعه‌ی سیره‌ی فرهنگی امامان(ع)، تلاش شده است با بهره‌گیری از منابع دسته اول و نیز منابع تحلیلی در زمینه‌ی تاریخ امامت در عصر اول عباسی، فعالیت‌ها، روش و نتایج جهاد فرهنگی ائمه(ع) را استکشاف کنیم. بدیهی است که روش تحقیق بر اساس توصیف و تحلیل متکی بر مطالعه‌ی کتابخانه‌ای در منابع تاریخی و سیره‌ی ائمه(ع) انجام گرفته است.

۱.۶. مفهوم شناسی

در این بخش مناسب است برخی از واژگان، مورد توجه قرار گیرد تا بر اساس تعاریف مطرح شده، بحث پیگیری شود.

۱.۶.۱. جهاد ۱

جهاد، واژه‌ای عربی است از ریشه (ج ه د) به معنای مشقت، تلاش، مبالغه در کار، به نهایت چیزی رسیدن و توانایی در انجام کاری(جوهری، ۱۳۶۸ش: ج ۲، ص ۴۶۰). در اصطلاح متون دینی، همانند کاربرد عام آن، گونه‌ای خاص از تلاش است؛ یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود، در نبرد با کافران و باغیان، با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شاعر یا دفاع از آن(نجفی، ۱۹۸۱م: ج ۲۱، ص ۳). در اسلام بزرگ‌ترین جهاد «جهاد با نفس» است که با نام جهاد اکبر شناخته می‌شود و تلاش در راه دفاع از دین اسلام یا گسترش قلمرو اسلام، جهاد کوچک یا جهاد اصغر نام دارد. جهاد یکی از فروع دین و از واجبات اسلامی است. کلمه‌ی جهاد حدود ۱۰۸ بار در قرآن آمده است. در این پژوهش جهاد به معنای اصطلاحی مدنظر است؛ یعنی چگونگی تلاش و کوشش امامان معصوم(ع) در عرصه‌ی فرهنگی و اینکه امامان(ع) به چه صورت با انحرافات و مشکلات فرهنگی جامعه مقابله می‌کردند.

۱.۶.۲. عصر اول عباسی

حکومت عباسیان نزدیک به ۵۲۴ سال (۱۳۲-۶۵۶هـ.ق) ادامه یافت که عصر اول آن با حکومت ابوالعباس سفاح(۱۳۲-۱۳۶) آغاز شد؛ بعد از آن ابوجعفر منصور(۱۳۶-۱۵۸) و مهدی(۱۵۸-۱۶۹) و هادی(۱۶۹-۱۷۰) و هارون الرشید(۱۷۰-۱۹۳) و امین(۱۹۳-۱۹۸) و مأمون(۱۹۸-۲۱۸) و آخرین خلیفه‌ی عباسی در دوره‌ی اول، ابواسحاق محمد المعتصم بالله (۲۱۸-۲۲۷هـ.ق) به پایان رسید(طوقوش، ۱۳۹۱ش: ص ۱۳).

۱.۶.۳. فرهنگ ۲

به دلیل پیچیدگی واژه‌ی فرهنگ و نیز تنوع موضوعی آن، تعریفی جامع که کاملاً بیانگر بار معنایی و مفهومی فرهنگ باشد، بیان نشده است(پهلوان، ۱۳۹۰ش: ص ۱۷) تنوع معنایی واژه‌ی فرهنگ به حدی است که بیش از ۲۰۰ تعریف و عده‌ای تا ۴۰۰ تعریف مختلف از آن ارائه داده‌اند. در یک تعریف می‌توان فرهنگ را این چنین بیان کرد: «مجموعه‌ای از بینش‌ها، باورها و گرایش‌ها، رفتارها، آداب و ارزش‌های یک جامعه که دارای ثباتی نسبی در آن جامعه می‌باشند(داعی‌نژاد، ۱۳۸۱ش: ص ۵۹، ص ۴۳). در این پژوهش با توجه به تعریفی که ذکر شد، منظور از فرهنگ، بررسی جایگاه فرهنگی امامان معصوم(ع) در حوزه‌ی دینی و اجتماعی و اخلاقی و چگونگی روند گسترش فرهنگ اسلامی در دوره‌ی سه تن از امامان(ع) است.

۲. آسیب‌شناسی فرهنگی جامعه‌ی عصر اول عباسی

جامعه‌ی عباسیان از چند طبقه تشکیل می‌شد که هر یک بر حسب قوانین و مقرراتی که حقوق و ویژگی‌های هر طبقه را معین می‌کرد، پایگاه خاص و نقش مربوط به خود را داشت. طبقات اجتماعی در جامعه‌ی عباسی عبارت بودند از: اشراف، بازرگانان، سپاهیان، آزادگان، موالی و بردگان که هر قشر دارای حقوق و اخلاق و رفتار متفاوتی بودند، چراکه جامعه‌ی عباسی از عناصر و نژادهای گوناگون تشکیل می‌شد و همچنین ادیان و مذاهب مختلف مانند: مسلمانان، یهودیان، مسیحیان، صابئین، نیز در ساختار این جامعه نقش تعیین کننده‌ای داشتند. بنابراین هر قشر و گروهی



کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

آذرماه ۱۳۹۵ - تهران

در جامعه دارای اخلاق و رفتار مخصوص به خود را داشت که نقش مهمی در شکل‌گیری فرهنگ در عصر عباسی ایفا می‌نمود (مکی، ۱۳۹۲ش: ص ۸۴-۸۵).

در عصر اول عباسی (۱۳۲-۲۳۲هـ) گروهی به کسب لذات، در زندگانی و خوشی، افراط کرده و هرگاه از یک نوع لذت و طرب خسته می‌شدند، یک نوع عیش و نوش و سماع تازه‌ای ابتکار و ابداع می‌کردند. اوقات خلفا آن زمان که آغاز تشکیل دولت بود به تأسیس حکومت و خاموش کردن دسیسه‌ها و فتنه‌ها می‌گذشت و چون آن دوره می‌گذشت آنان نیز به لهو و لعب روی می‌آوردند. مردم پس از مرگ «منصور» (حک: ۱۳۶-۱۵۸هـ) آسایش را احساس کردند زیرا در زمان او رنج بسیاری برده بودند، اما روبه سوی ثروت و خوشگذرانی گام برداشتند. خلیفه «مهدی» (حک: ۱۵۸-۱۶۹هـ) در خوشگذرانی اعتدال داشت، اما چون مردم را آزاد گذاشته بود آنها راهی برای باده‌گساری و خوشگذرانی پیدا کردند (نک: مناظر احسن، ۱۳۸۳ش: ص ۳۰۱ الی ۳۲۰). از سویی دیگر در آغاز خلافت بنی‌عباس به دلیل آنکه خلفای حکومت اسلامی، بعد از دودمان نژادپرست بنی‌امیه روی کار آمدند و ملل مختلف با زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت وارد حوزه‌ی اسلامی شدند، مسائل فرهنگی و اجتماعی تحوّل عظیم پیدا کرد.

از بُعد فرهنگی، شروع گسترده‌ترین داد و ستدهای مثبت و جدی فرهنگی میان مسلمانان و اقوام دیگر، ایجاد اولین پایگاه‌های نشر دانش، شکوفایی بی‌مانند شعر و ادب و آغاز عصر ترجمه و تألیف منظم در فنون مختلف، از خصائص مهم این عصر است. در این میان ایرانیان در تکوین بافت فرهنگی این دوره از طریق کمک به پیشبرد نهضت ترجمه‌ی علوم، نقش چشمگیری داشتند.

دوران امامت امام صادق (ع) (۱۱۴-۱۴۸هـ) عصر برخورد اندیشه‌ها و آرای مختلف فکری و عقیدتی است و مناقشات و مناظراتی میان مکاتب گوناگون فرقه‌های دوران شیعی از جمله: شیعه، زیدیه، غلات، کیسانیه، جارودیه و فرقه‌های برون شیعی از جمله: معتزله، متصوفه، مجسمه، مشبهه، تناسخیه، و برون دینی از جمله: زنداقه، مانویه، دیسانیه، مرقونیه درگرفت و هر یک عقاید خود را تبلیغ و ترویج می‌کردند (طباطبائی، ۱۳۸۸ش: ص ۷۳) در این دوران که نسل جدیدی از تازه مسلمانان با ملیت‌های گوناگون به جمع امت بزرگ اسلامی پیوسته بودند، به طور طبیعی عقاید و یافته‌های علمی و فرهنگی خود را نیز به جهان اسلام وارد می‌کردند. از سوی دیگر، وضعیت سیاسی-اجتماعی جامعه‌ی اسلامی، فتوحات نظامی و گسترده‌ی قلمرو مناطق تحت نفوذ اسلام، ایجاب می‌کرد که مسلمانان با دنیای خارج، روابط گسترده‌تری برقرار کنند و با افکار و اندیشه‌های فلسفی و کلامی بیگانگان آشنا شوند (نیک‌آفرین، ۱۳۹۲ش: ص ۱۰، ۲۹). این تحول، بر فرهنگ عمومی جامعه‌ی اسلامی و افکار مسلمانان تأثیر قابل توجهی گذاشت و باب بحث و جدال و مناقشات علمی بر روی بسیاری از موضوعات و معارف اسلامی گشوده شد. البته پیامدهای منفی زیادی نیز به بار آورد که نفوذ اندیشه‌های بیگانگان در میان مسلمانان و در پی آن پدید آمدن شبهات و انحرافات فکری و اعتقادی که به عنوان یک خطر جدی، افکار مسلمانان را تهدید می‌کرد، از جمله آنها است (مسعودی، ۱۳۷۰ش: ج ۳، ص ۳۳).

۳. جهاد امامان شیعه در عرصه‌ی گسترش فرهنگ اسلامی

پایه و اساس شخصیت فرد و جامعه با مسائل فرهنگی و اخلاقی و اعتقادی درهم تنیده است؛ و جهاد فرهنگی جهت تبیین و ترویج اعتقادات صحیح و باطل در جامعه سعی دارد تا با روشنگری و جهاد فرهنگی عقائد و باورهای دینی و مذهبی را نظام‌مند کرده و به فرهنگ اسلامی شکل بدهد و معارف و آموزه‌های ناب اسلامی را در جامعه نهادینه کند؛ پس جهاد فرهنگی به جهت اهمیت زیربنایی که دارد، بر جهاد نظامی و سیاسی مقدم است؛ همان‌طور که پیامبر اکرم (ص) در آغاز رسالت، قبل از اینکه به او و پیروانش اجازه‌ی دفاع و جهاد نظامی داده شود، مأمور به جهاد فرهنگی می‌گردد؛ قرآن به عنوان کتاب جهاد فرهنگی بر قلب مبارک ایشان نازل می‌گردد: «وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» و به وسیله‌ی قرآن با آنان مبارزه کن مبارزه بزرگی» (فرقان (۲۵)، ۵۲) یعنی با تلاوت آیات قرآن و بیان حقایق قرآن حجت را بر آنان تمام کن و پایه‌های متزلزل اعتقاد پوشالی آنان را ویران نما و بر آن ویرانه، بنیان اعتقاد توحیدی را استوار و محکم بنا کن. امامان شیعه (ع) اهمیت بسیار زیادی به «جهاد فرهنگی» قائل بودند. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

«ائمه (ع) در هر زمانی مصلحت اسلام و مسلمین را در نظر می‌گرفتند و چون دوره‌ها و زمان‌ها و مقتضیات زمان و مکان تغییر می‌کرد، خواه و ناخواه همان طور رفتار می‌کردند که مصالح اسلامی اقتضا می‌کرد و در هر زمان جبهه‌های مخصوص و شکلی نو از جهاد به وجود می‌آمد و آن‌ها با بصیرت کامل آن جبهه‌ها را تشخیص می‌دادند» (مطهری، ۱۳۹۳ش: ص ۱۵۹).

با بیان این مقدمه، در این بخش برخی از فعالیت‌های امامان شیعه در عصر اول عباسی، در عرصه‌ی «جهاد فرهنگی» اشاره می‌شود.

۳.۱. تشکیل حکومت

یکی از اهداف تشکیل حکومت توسط امامان معصوم (ع)، ایجاد «نهضت فرهنگی» و نهادینه کردن سبک زندگی اسلامی و توسعه‌ی این حرکت جهادی بود. با مطالعه‌ی سیره‌ی ائمه در میابیم، هریک از امامان (ع) به‌گونه‌ای با حکومت و حاکمان در ارتباط بودند؛ در بعضی از دوران‌ها مانند دوران امام علی (ع) و امام حسن (ع) بخشی از عمر خود را در متن حکومت سپری کردند و رهبری حکومت اسلامی را بر عهده داشتند و گاهی در دوره‌ی دیگر مانند امام حسین (ع) قیام نظامی را بر ضد حکومت ظلم زمان خود رهبری نمودند؛ در دوره‌های دیگر هر چند شاهد اقدام تند و شدید و



کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

آذرماه ۱۳۹۵ - تهران

جدی در برابر حکومت نیستیم، اما بر اساس گزاره‌های تاریخی امامان معصوم(ع) همواره حکومت‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دادند و خلفای اموی و عباسی از حضور امامان(ع) احساس خطر می‌کردند، به طوری که یا آنان را به زندان می‌انداختند و یا تحت نظر قرار می‌دادند و وجود موانع و عدم تشکیل حکومت هرگز به این معنا نیست که امام از این سمت کنار گذاشته شده و یا فاقد شرایط رهبری است.

۳.۱.۱. دوره‌ی امام‌صادق(ع)

امام‌صادق(ع)(۸۰-۱۴۸هـ.ق) با در نظر گرفتن شرایط جامعه‌ی اسلامی در دوره‌ی اول عباسی، و فراهم نبودن شرایط سیاسی برای قیام نظامی، و نیز محدودیت یاران و شیعیان واقعی و همچنین حفظ جان شیعیان، به جای قیام و حرکت سیاسی و نظامی، جنبش علمی - فرهنگی را جایگزین آن کرد و توانست با تشکیل نظام آموزشی منسجم، شاگردان و متخصصان بسیاری را تربیت کند، که این خود یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی امام‌صادق(ع) می‌باشد.

بررسی اوضاع و شرایط زمانه‌ی امام‌صادق(ع) نشان می‌دهد که دخالت نکردن در مسائل سیاسی و پرداختن به اقدامات علمی، بهترین گزینه‌ی ممکن در آن شرایط بوده است، از این رو امام‌صادق(ع) به عنوان سیاستمدار با تجربه و رهبر شیعیان، با تشکیل دانشگاه بزرگ جعفری و نظام آموزشی منسجم و مهندسی شده، نقش عمده‌ای در پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا می‌کند.

۳.۱.۲. دوره‌ی امام‌کاظم(ع)

امام‌کاظم(ع)(۱۴۸-۱۸۳هـ.ق) نیز با حمایت از جریان نظامی شیعه که توسط علوی‌ها انجام می‌گرفت مانند «شهیدفخ»(م۱۶۹ق) و نیز سرپرستی از شیعیان از طریق نفوذ دادن یکی از فقیهان و محدثان خود به نام «علی بن یقین»(م۱۸۲ق) در دستگاه حکومتی و نیز نشر بیشتر فرهنگ اسلامی نقش خویش را در این زمینه به خوبی ایفا نمودند. مناظره امام‌کاظم(ع) و هارون، بهترین شاهد بر این است که خاندان پیامبر(ص) و امامان(ع)، یکی از اهدافشان از تشکیل حکومت، نابودی ظلم و ستم و اقامه‌ی حق و عدالت بوده است(خضری و دیگران، ۱۳۸۴ش: ج ۱، ص ۲۶۷).

۳.۱.۳. دوره‌ی امام‌رضا(ع)

در زمان امامت امام‌رضا(ع)(۱۸۳-۲۰۳هـ.ق) به علت گسترش قیام و ترس حکومت وقت از شیعیان، کنترل امامان شدیدتر شد؛ به طوری که سه امام بعدی همه‌ی عمر خود را یا تحت نظر حکومت و یا در زندان بودند و نایبان آنان هم یا در تبعید بوده و یا زندگی مخفیانه داشتند. بنابراین در این عصر نیاز به فقهای مأذون بیشتر احساس می‌شد.

مأمون به امام‌رضا(ع) پیشنهاد خلافت داد و ایشان نپذیرفت و تا مدت‌ها با این پیشنهاد مخالفت می‌ورزید و مأمون بعد از آنکه از درخواستش ناامید شد و نتیجه‌ای نداد، به حضرت پیشنهاد ولایت‌عهدی داد و به امام گفت: «به خدا سوگند اگر ولایت‌عهدی را نپذیری تو را بر آن مجبور می‌کنم و اگر باز هم نپذیری، گردنت را خواهیم زد.» امام‌رضا(ع) فرمود: «خداوند مرا منع فرموده که خود را به دست خویش به هلاکت افکنم، اگر چنین است که می‌گویی، می‌پذیرم، به شرط آنکه هیچ کس را به کاری نگمارم و از کاری عزل نکنم و هیچ رسمی را برهم نزنم»(ابن بابویه، ج ۲، ص ۳۹۷) در اینجا سؤالات و شبهات زیادی مطرح می‌شود از جمله، اهداف مأمون از مطرح نمودن مسأله‌ی خلافت و ولایت‌عهدی چه بود؟! و موضع امام(ع) در برابر اجبار چگونه بود و چرا امام در ابتدا خلافت را نپذیرفت؟! و چرا ولایت‌عهدی را از روی اکراه و اجبار قبول نمود؟! برخی از عواملی که موجب شد امام تن به این امر بدهد را اینگونه مختصراً ذکر می‌کنیم:

۱. حفظ جان امام؛ ۲. حفظ شیعیان؛ ۳. حضور خاندان پیامبر(ص) در صحنه سیاست؛ ۴. خنثی‌سازی توطئه‌های حکومت(عاملی، ۱۳۸۹ش: ص ۲۸۸-۲۸۹). امام‌رضا(ع) از ولایت‌عهدی خود بهره‌برداری‌های مؤثر فرهنگی و سیاسی می‌نماید؛ امام(ع) در این برهه از زمان نه تنها از مردم جدا نمی‌شود، بلکه ارتباطشان با مردم آزادانه و بیشتر می‌شود، مردم جهت کسب تکلیف به ایشان رجوع می‌کنند و امام(ع) مسأله‌ی امامت را علناً مطرح می‌نماید(جعفری، ۱۳۶۵ش: ص ۲۷-۳۴). در زمان ولایت‌عهدی، فعالیت‌های امام‌رضا(ع) در بعد فرهنگی در قالب صدور روایات، تربیت شاگردان، تدریس علوم دینی، مناظره با پیروان ادیان و مذاهب صورت می‌پذیرد و موضع امام(ع) مانند روش پیامبر(ص) حاکی از دعوت آشکاری بود از امت اسلامی، تا دستگاهی را که مستبدانه و خودسرانه بر مقتدرات آنها حکومت می‌کند، بشناسند و ارزیابی کنند، و همچنین اشاره‌ای به نادرستی و بطلان اعمال حاکمان و نیز بیانی از احکام واقعی اسلامی بود(فضل‌الله، ۱۳۹۰ش: ص ۱۵۰).

۳.۲. ایجاد نهضت فکری - فرهنگی

۳.۲.۱. دوره‌ی امام‌صادق(ع)

در فضای فرهنگی و اجتماعی که اشاره شد، امام‌صادق(ع) وضعیت فکری و فرهنگی شیعیان را سامان بخشید و به نظام‌مندسازی اندیشه‌ی شیعه پرداخت، چراکه در آغاز حکومت بنی‌عباس برخی در جامعه، فقه و کلام و تفسیر اهل سنت را ترویج می‌نمودند و مکاتب و نحله‌های شیعی و غیرشیعی در جامعه‌ی اسلامی عصر اول عباسی رو به رشد بود. در این فضا امام‌صادق(ع) با طراحی نظام فرهنگی با این انحرافات فکری و مذهبی مبارزه نمود و با ایجاد نهضت فکری و فرهنگی، اندیشه‌های ناب شیعی را تبیین می‌کرد و در عرصه‌ی جهاد فرهنگی نقش مهمی را ایفا نمود؛



کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

آذرماه ۱۳۹۵ - تهران

بدین‌گونه که با گستردن بساط علمی و بیان فقه و معارف اسلامی و تفسیر قرآن به شیوه‌ای غیر از شیوه‌ی عالمان وابسته به حکومت، عملاً به معارضه‌ی با دستگاه حکومت برخاسته بود، آن حضرت بدین‌وسیله تمام تشکیلات مذهبی و فقهت رسمی را - که یک ضلع مهم حکومت خلفا به شمار می‌آمد - تخطئه می‌کرد و دستگاه حکومت را از بُعد مذهبی‌اش تهیدست می‌ساخت (خامنه‌ای، ۱۳۸۶ش: ص ۷۹-۸۰).

حضرت صادق(ع)، جهت تشکیل و تداوم نهضت فکری شیعه به طور جدی وارد عرصه‌ی تبیین اعتقادات و باورهای شیعه می‌شود و در حوزه‌ی کلام با نگرشی اعتدال‌گرا در مورد مسائلی مانند: قضا و قدر، صفات باری(ابن‌بابویه، ۱۴۱۲ق: ص ۱۲۰)، جایگاه فاسق و خلق قرآن(ابن‌بابویه، ۲۰۰۹م: ص ۲۲۶) و اراده و مشیت الاهی(طبرسی، ۲، ص ۱۳۱) و نیز نفی جبر و تفویض و نظر امر بین الامرین(طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۴۵۱) اظهارنظر می‌نماید و ضمن نفی عقاید باطل افراطی‌ها و اهل تشبیه و تعطیل و جبریون، اعتقادات فکری و مذهبی اسلامی را مطرح می‌کند.

امام صادق(ع) شیعیان را از تمسک به احادیث دیگران باز می‌داشت؛ این امر مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری «فقه شیعه» بود که اهمیت آن پیش‌تر تا حدودی از سوی امام‌باقر(ع) تبیین شده بود(جعفریان، ۱۳۹۱ش: ص ۲۰۴) حضرت پس از آن به ترویج فقه شیعه بر پایه‌ی معارف اهل‌بیت(ع) پرداخت. امام صادق(ع) برای پاسخ به حملات فرهنگی و فکری مکتب‌های مختلف دینی و الحادی، مسأله‌ی تخصصی شدن و لزوم مهارت یک یا چند نفر از شاگردان در موضوعی خاص را مورد اهتمام قرار داد. مثلاً در باب قرآن شخصی به اسم «حمران بن اعین»، در باب فقه «زراره»، در باب کلام «مؤمن طاق» و «هشام بن سالم» را می‌توان نام برد(اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ص ۳۸۶).

۳.۲.۲. دوره‌ی امام کاظم(ع)

دوران امام کاظم(ع) از نظر فرهنگی، زمان ظهور و بروز مکتب‌ها و انحراف‌های فکری و عقیدتی در جامعه و عصر برخورد اندیشه در جامعه‌ی اسلامی بود و مکاتب و فلسفه‌های گوناگون فرصتی برای بروز و ظهور یافتند. حضرت در دوره‌ی ده ساله‌ی حکومت «مهدی عباسی»(حک: ۱۵۸-۱۶۹هـ) در کنار تدریس و نقل حدیث، اندیشه‌های اسلام ناب را نیز آموزش می‌داد و با وجود فضای خفقان در دوره‌ی «هارون الرشید»(حک: ۱۷۰-۱۹۳هـ) همچنان به جهاد فرهنگی خود ادامه می‌داد. در دوره‌ی هارون به دلیل نبودن تدریس و نقل حدیث، حضرت از طریق ارسال نامه به تبیین و تشریح مطالب فقهی، علمی و اعتقادی پرداخت و حتی در زندان از راهنمایی‌ها و پی‌گیری مسائل شیعیانش غافل نبود.

امام(ع)، در نامه‌ای که از زندان به «علی بن سويد سائی» نوشت: «اینکه سؤال کردی معالم دین را از چه کسی بگیری! معالم دین را از غیر شیعه نگیری، چراکه اگر چنین کنی، دینت را از خائنانی گرفته‌ای که به خدا و رسول و امانتی که در اختیارشان بوده، خیانت ورزیده‌اند(طوسی، ۱۳۴۸ق: ص ۴).

۳.۲.۳. دوره‌ی امام رضا(ع)

فعالیت‌های فرهنگی و علمی امام رضا(ع) برای شناساندن بهتر معارف دینی، از بارزترین و روشن‌ترین برگ‌های تاریخ زندگی آن امام(ع) است. بنابه گزارشات تاریخی، حجم زیادی از فعالیت‌های فرهنگی امام رضا(ع) در قالب مناظرات و مباحثه‌های ایشان با پیروان ادیان و مکاتب دیگر صورت گرفته است. گذشته از مناظرات، از امام رضا(ع) روایات و احادیث فراوانی در زمینه‌های مختلف علوم و معارف اسلامی و شیعی، مانند اعتقادات، اخلاق و رفتار، معنویت، علم و دانش، فقه، اصول و اقتصاد و پزشکی، برای ما به یادگار مانده که گنجینه‌ای گران‌بها است.

با توجه به اینکه در میان ائمه(ع) امام باقر(ع) و امام صادق(ع) فرصت بیشتری برای تشکیل محافل علمی و نشر علوم و معارف الاهی را پیدا کردند، اما در این میان امام رضا(ع) که در این زمینه مجال کمتری یافت، عنوان «عالم‌ال محمد» را دریافت کرده است، چراکه با توجه به مناظره‌ها و مباحثه‌های علمی و اعتقادی آن حضرت، از چنان اهمیت و امتیازی برخوردار بوده است که به عنوان «عالم‌ال محمد» شناخته شود. حضرت با ادامه‌ی نهضت فکری - فرهنگی ائمه‌ی گذشته، مسائل بسیاری در حوزه‌ی فرهنگی را تبیین و تشریح نمود؛ مواردی بوده که کلماتی از امام علی(ع) و دیگر ائمه(ع) در محضر ایشان خوانده می‌شد و مردم تلقی درستی نسبت به آن مطلب نداشتند و حضرت(ع) با بیانات کافی خود، گره از فهم این مطالب برمی‌داشتند و اگر این بیانات نبود، این مقدار معارف توحیدی گسترش پیدا نمی‌کرد.

حضرت رضا(ع)، با عنوان «عالم‌ال محمد» و با توانایی علمی در زمینه‌های گوناگون علمی و مذهبی برخوردار بود، به طوری که هر اقدام و موضع‌گیری ایشان در زمینه‌ی مسائل علمی، منشأ اثر و تحول در آن حوزه می‌شد. چنانچه امام رضا(ع) خود می‌فرمود:

«در حرم پیامبر(ص) مینشستم و عالمان مدینه هرگاه در مسأله‌ای با مشکل مواجه می‌شدند و از حل آن ناتوان می‌ماندند، به من رو می‌آوردند و پاسخ می‌گرفتند.»(اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۳، ص ۱۵۷)

۳.۳. مبارزه با جریانات فکری و انحرافی

۳.۳.۱. دوره‌ی امام صادق(ع)

در زمانه‌ی امام صادق(ع) علاوه بر حوادث سیاسی و نابه‌سامانی و پیچیدگی اوضاع جامعه، یک سلسله حوادث فرهنگی و اجتماعی و نیز ابهام‌ها و انحراف‌های فکری پدید آمد که برخورد این آرا و عقائد، در ابعاد مختلف و از مکاتب مختلف، مقتضیات خاصی به وجود می‌آورد و علاوه بر مبارزه با



کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

آذرماه ۱۳۹۵ - تهران

حکومت فاسد، باب مبارزه با مکاتب فکری و فرهنگی گشوده شد (مطهری، ۱۳۹۳ش: ص ۱۲۵-۱۲۹). در کنار زنداقه و دهریان، که عقائد ضدّ دینی ترویج می‌دادند، متصوفه قدعلم کردند و با توجه به برداشت‌های منحرفی که از دین داشتند، به تبلیغ صوفی‌گری پرداختند؛ در جایی دیگر بزرگان مذاهب چون معتزله، حنبله، مالکیه که اندیشمند در مسائل دینی بودند، در اجتماع شبهاتی را مطرح و فعالیت می‌کردند (فائدان، ۱۳۸۶ش: ش ۱۲، ص ۹۵-۱۰۰).

امام‌صادق (ع) به طور کلی با دو جریان انحرافی غالیان و زیدیه روبه‌رو بود؛ امام (ع) با اقدامات جدّی به مبارزه با گروه غالیان برآمد چراکه غالیان نه‌تنها از درون سبب آشفتگی در عقاید شیعیان می‌شد و آن‌را منزوی می‌کرد، بلکه چهره‌ی شیعه را در نظر دیگران، انسان‌های بی‌قید و بندی نشان می‌داد. از جمله اقدامات حضرت (ع)، دور نمودن شیعیان از معاشرت با آنها بود (نوری، [بی‌تا]: ج ۱۲، ص ۳۱۵) و در بسیاری از موارد اهداف پلید و نیات باطل آنها را بر ملا می‌کرد (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵ق: ج ۱، ص ۱۲۷) و با تکفیر آنان سعی در منزوی ساختن آنها داشت (طوسی، ۱۳۴۸ق: ص ۲۷۹).

۳.۳.۲. دوره‌ی امام کاظم (ع)

همانطور که گفته آمد در دوران امامت امام کاظم (ع) (۱۴۸-۱۸۳هـ) مانند عصر امام‌صادق (ع)، زمان ظهور و بروز مکتب‌ها و انحرافات فکری و عقیدتی در جامعه و عصر برخورد اندیشه در جامعه اسلامی بود. بعد از رحلت امام‌صادق (ع) درباره‌ی امامت، اختلاف نظری در بین شیعیان به وجود آمد و موجب پدید آمدن فرقه‌های مختلفی شد (نوبختی، ۱۳۹۱ش: ص ۱۰۰-۱۱۵).

این بخش از تاریخ امامت و تشیع، خطرناک‌ترین دوره‌ای بود که اسلام به آن دچار گردید، الحاد و زنداقه و تبلیغات و پیشوایان دروغین ظهور کرده فرقه‌های متعدد کلامی که اندیشه‌های مختلف داشتند سر بر آوردند؛ جو سیاسی بحرانی و سخت‌گیری بر امام کاظم (ع) در زندان‌های عباسی، باعث رواج اندیشه‌های کج و مدعیان دروغین امامت شده بود. از جمله فرقی که در زمان امام کاظم (ع)، به وجود آمدند و فعالیت می‌کردند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: فطحیه، سمیطیه، ناووسیه، مبارکیه، اسماعیلیه، راک: نوبختی، فرق‌الشیعه).

دوران امام موسی کاظم (ع) به دلیل همزمانی با عصر اوّل خلافت عباسیان در خفقان شدیدی به سر می‌برد و با وجود اوضاع آشفتگی سیاسی این عصر و ظهور فرقه‌های گوناگون و قیام‌های ناکام، حضرت در راه تداوم خط خلافت و امامت مکتب ویژه‌ای داشت، مکتبی که در آن «مقاومت» و «مبارزه‌ی منفی» است. امام (ع) با خط فکری و عملکردهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود و تربیت شاگردان برجسته توانست، علوم امام‌باقر (ع) و امام‌صادق (ع) را در راه تکامل و حفظ ارزش‌های اسلام بکار ببندد و تعالیم اسلامی را هر چند محدود، در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی اگرچه گاهی رو به افول و گاهی رو به صعود بود، جهت بخشیدند (قرشی، [بی‌تا]: ج ۱، ص ۷۹-۸۰).

۳.۳.۳. دوره‌ی امام رضا (ع)

در دوره‌ی امام رضا (ع) وجود تمایلات مادی و انگیزه‌های دنیوی در برخی از اصحاب ائمه (ع) موجب شد، برخی امامت ایشان را انکار کنند و با عدم آگاهی و کاستی معرفت نسبت به وصی امام، موجب می‌شد وفات امام بعدی را باور نکنند؛ از این رو در امامت همان امام توقف می‌نمودند تا امر بر ایشان روشن شود؛ در کنار این نحله، وجود مدعیان امامت و تمایلات مادی برخی از اصحاب امام کاظم (ع) به خوبی در دوران امام رضا (ع) نمایان است، که موجب به وجود آمدن فرقه‌هایی شد.

امام رضا (ع) در مبارزه با فرقه‌های انحرافی به صورت «جهاد فرهنگی» عمل نمود و سعی کرد که بر این بحران فایق آید؛ دستگاه فکری و عقیدتی آنها را بازسازی کند و نوعی انسجام و وحدت جدید را به سازمان اجتماعی آنها ببخشد. بنابراین راهبرد عمومی امام در برخورد با چالش‌های زمان خود راهبردی «فرهنگی» بود. امام در برخورد با مشکلات اعتقادی مکاتب و نحله‌های گوناگون، شیوه‌ی «تعامل فرهنگی» در واقع شیوه‌ی «گفتمان» و «مناظره» را انتخاب کرده بود. در اینجا برخی از فرقه‌هایی که در عصر امام رضا (ع)، عقاید و افکار خود را ترویج می‌دادند، اشاره می‌شود.

۳.۳.۳.۱. غالیان

با رواج یافتن افکار انحرافی و مخرب غالیان، امام رضا (ع) چه قبل از ولایت‌عهدی و چه بعد از آن، در مدینه و مرو، با استفاده از شیوه‌های مختلف، در برابر این فرقه موضع‌گیری می‌کرد و با آنان به شدت برخورد می‌نمود. امام رضا (ع) به مناسبت‌هایی از غالیان اعلام انزجار و آنها را لعن می‌کرد و مردم را از ارتباط با آنها برحذر می‌داشت و در مورد آنها می‌فرمود: «خدا غلات را لعنت کند که بدتر از مجوس، یهود، نصارا، قدریه و مرجئه می‌باشند، با آنها نشست و برخاست نکنید و از آنان بی‌زاری جوید که من نیز از آنها بی‌زارم» (صفری‌فروشانی، ۱۳۸۸ش: ص ۱۶۳ و ۱۶۴).

با نگاهی به سیره‌ی امام رضا (ع) درمی‌یابیم، امام رضا (ع) به شدت در برابر انحرافات غالیان ایستادگی کردند و از طریق اقداماتی همچون: تکفیر و تفسیق غلات، منع شیعیان از مجالست و شنیدن سخنان آنها، تکذیب عقاید و باورهای آنان، فرمان کشتن و آسیب رسانی به برخی از ایشان با این پدیده برخورد نمودند (غروی، ۱۳۸۷ش: ش ۲۳، ص ۸۸).



۳،۳،۳،۲. واقفیه

مواضع و برخوردهای امام‌رضاع) با واقفیه را می‌توان در چند مورد به طور خلاصه اشاره کرد: ۱. معرفی ماهیت واقفیان؛ ۲. خبر دادن از آینده‌ی اندوهناک برخی از آنها (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۲، ص ۹۰)؛ ۳. نامه‌نگاری، ۴. مناظره (همان، ج ۴۸، ص ۲۶۱)؛ ۵. اتمام حجت با سران فرقه (ابن بابویه، ۱۳۹۱ش: ج ۲، ص ۱۰۴)؛ ۶. بیبیزاری جستن، ۷. لعن و نفرین کردن (نوبختی، ۱۳۹۱ش: ص ۸۰-۸۱).

۳،۳،۳،۳. زیدیه

امام‌رضاع) در برخورد با فرقه‌ی زیدیه و قیام‌هایی که توسط آنان صورت می‌گرفت، در مواردی آنان را مذمت و از قیام کردن نهی کرده‌اند و به عنوان نمونه قیام «زید النار» (برادر خود) را به شدت مورد نکوهش و انتقاد قرار می‌دهد، و در بعضی موارد برخورد جدی با قیام‌کنندگان نداشته است (ابن بابویه، ۱۳۹۱ش: ج ۱، ص ۲۵۷ و ۲۵۹) نوع رفتار و تعامل امام‌رضاع) باعث شد قیام‌های زیدیان رو به افول رود و تعدادی از زیدیه به سمت امام‌رضاع) جذب شوند.

۳،۳،۳،۴. فطحیه

در گزارشات تاریخی، شواهدی مبنی بر برخورد مستقیم و تند امام‌رضاع) با فطحیان باشد، یافت نشده است. با توجه به شرایط حساس فرهنگی و وجود فرقه‌های دیگر شیعی و غیر شیعی و نیز ویژگی‌های کلی فطحیان زمان امام‌رضاع) شاید امام‌رضاع) صلاح را در عدم درگیری با فطحیان می‌دید (صفری‌فروشانی، ۱۳۸۸ش: ص ۷) هرچند فرقه‌ی فطحیه، به امامیه نزدیک‌تر و کم‌خطرتر از واقفیه ذکر شده است، اما این به معنای بی‌ضرری آن‌ها برای جامعه‌ی شیعی نیست. با بررسی منابع درمی‌یابیم، امام‌رضاع) برخورد شدیدی با فطحیان نداشته است؛ چراکه آنها را قابل اصلاح و هدایت می‌دانست و همچنین خطر جدی و مخربی را برای جامعه‌ی آن روز از این فرقه احساس نمی‌کرد (همان، ص ۸). با وجود فرقه‌های مختلف در این زمانه و فعالیت چشمگیر آنان و توجه بیش از حد خلفای عباسی به امامان شیعه و نظارت بر فعالیت آنان، تشیع در دوره‌ی امامت امام‌رضاع) یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین ادوار سیاسی و فرهنگی را به خود می‌دید، به گونه‌ای که اگر امام‌رضاع) از عهده‌ی رهبری و هدایت جامعه‌ی مسلمین و به خصوص تشیع، بر نمی‌آمد، چه بسا امامیه امروز فقط فرقه‌ای کوچک به شمار می‌آمد.

۳،۴،۱. تشکیل نظام آموزشی و تربیتی

یکی دیگر از عرصه‌های «جهاد فرهنگی» امامان معصوم (ع) تدریس علوم دینی و تربیت و آموزش شاگردان بود. پرورش اصحاب و راویان یکی از روش‌هایی بود که ائمه (ع) برای تثبیت فرهنگ ناب اسلامی و انتشار آن به کار می‌گرفتند، تا در برابر انحرافات جامعه و یا در مناظراتی که بین اصحاب و علمای سایر فرق در مکتب خلفا روی می‌داد، با آمادگی کامل در مقابل این انحرافات فکری مقابله نمایند.

۳،۴،۱. دوره‌ی امام‌صادق (ع)

در اوائل حکومت عباسیان، امامان معصوم (ع) برای تربیت شاگردان، بر اساس مبانی و اصولی اقدام می‌کردند، که برگرفته از وظیفه‌ی امامت و متناسب با شرایط زمان و مقتضیات آن پیاده‌سازی شده بود. به بیان دیگر امام بر طبق وظیفه‌ی شرعی و رسالت خود اقدام کرده است (مطهری، ۱۳۹۲ش: ج ۲۴، ص ۲۶۸-۲۶۹) امام‌صادق (ع) در برخی موارد این اصول را در احادیثی تبیین کرده است، از جمله در روایتی آمده است: «العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوایس؛ کسی که زمان خودش را بشناسد و بفهمد و درک کند، امور مشتبه و گیج‌کننده به او هجوم نمی‌آورد» (کلینی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ص ۶۱) امام با صراحت در این حدیث می‌فرماید: اگر کسی به وضع زمان خود آشنا باشد امور مشتبه ناگهان بر سرش نمی‌ریزد که یک‌مرتبه دست و پای خود را گم کند و نتواند قوای خود را و فکر خودش را جمع و جور کند و راه حلی پیدا کند (مطهری، ۱۳۹۲ش: ص ۲۰۶)؛ لذا امامان معصوم (ع) دو اقدام مهم در این زمینه انجام داده‌اند، اول تخریب انحرافات، بدعت‌ها، افکار و عقاید باطل و دوم سازندگی با تشکیل دانشگاه و تربیت شاگردان و احیای اسلام به صورت بنیادی (حسنی، ۱۳۷۹ش: ص ۱۶۴). اقدام امام‌صادق (ع) در تربیت شاگردان بر مبنای توجه به مقتضیات زمان به این شکل ادامه می‌یابد که امام در مقابل مفتی‌تراشی دستگاه خلافت در معرفی افرادی همچون «محمد حنفیه» (م ۸۱ق) و «مالک بن انس» (م ۱۷۹ق) به اقدامات متقابل دست می‌زند و تربیت و معرفی شاگردان برجسته جهت ارجاع مردم به آنها و تربیت مردم بر اساس آموزه‌های اسلام ناب را در دستور کار قرار می‌دهد.

امام‌صادق (ع) با توجه به فرصت مناسب سیاسی که به‌وجود آمده بود، و با ملاحظه‌ی نیاز شدید جامعه و آمادگی زمینه‌ی اجتماعی، دنباله‌ی نهضت علمی و فرهنگی پدرش امام‌باقر (ع) را گرفت و حوزه‌ی وسیع علمی و دانشگاه بزرگی به‌وجود آورد و شاگردان بزرگ و برجسته‌ای همچون: هشام بن حکم (۱۷۹ تا ۱۹۹ق)، محمد بن مسلم (م ۱۵۰ق)، ابان بن تغلب (م ۱۴۱ق)، هشام بن سالم (م ۱۸۳ق)، مؤمن طاق، مفضل بن عمر (زنده پیش از ۱۸۳ق)، جابر بن حیان (احتمالاً م ۲۰۰ق) را تربیت نمود (مفید، [بی‌تا]: ص ۲۷۱). با بررسی نحوه‌ی ارتباط امام‌صادق (ع) با شاگردانش، بیان‌گر آن است که امام در تربیت و تخصص‌پروری به علایق شاگردان نیز توجه داشته است، همانگونه که در مورد «هشام بن حکم» ملاحظه می‌شود که امام با توجه به علاقه‌ی وی به مسائل کلامی، وی را به مطالعه در زمینه‌ی مسائل اعتقادی سوق می‌دهد (پیشوایی، ۱۳۷۶ش: ص ۳۴۷).

۳.۴.۲. دوره‌ی امام‌رضا(ع)

در زمان امام‌رضا(ع) نیز علاوه بر راویان بزرگ، شاگردانی در دیگر رشته‌های علمی نیز تحت نظرشان تربیت شدند، شاگردانی که زمینه‌ی فعالیت علمی آنان دایره‌ی گسترده‌ای را شامل می‌شد و از متخصصین در علم کلام و مناظره با مخالفین تشیع تا دانش آموختگانی در زمینه‌ی طب، نجوم، ادب و شعر را دربرمی‌گرفت. برخی از این شاگردان به تألیف کتاب، تربیت شاگرد و انتقال معارف به دیگر بلاد اسلامی پرداختند و توانستند با معارفی که از محضر حضرت‌رضا(ع) آموخته بودند، خود منشأ اثر شوند. اضافه بر این گروهی از این شاگردان، با عرضه‌ی احادیث موجود به محضر امام‌رضا(ع) کار پالایش این احادیث با نظر ایشان را سامان دادند. از جمله شاگردان خاص حضرت می‌توان به «حسن بن علی بن زیاد الوشاء»، «زکریابن آدم بن عبدالله بن سعد اشعری قمی»، صفوان بن یحیی»، «اباصلت هروی»، «یونس بن عبدالرحمن»، «فضل بن شاذان» اشاره نمود. (طوسی، ۱۳۵۱ش: ص ۵۴-۱۷۱/ طوسی، ۱۳۸۰ق: ص ۳۷۶) امام‌رضا(ع) طی ۱۸ سال از امامت در مدینه و ۲ سال در مرو، با تلاش فراوان موفق شد، شاگردان بسیاری تربیت کنند که در منابع تاریخی، تعداد آنان را ۳۱۸ نفر شمرده‌اند (طوسی، ۱۳۴۸ق: ص ۳۶۶).

۳.۵. اعزاز سفیران فرهنگی و ارتباط با شیعیان

با توجه به دوره‌ی خفقان عصر اول عباسی (۱۳۲-۲۳۲هـ) و فشار زیادی که از طرف حکومت به شیعیان وارد می‌شد، امامان معصوم(ع) کمتر فرصتی جهت ارتباط علنی با اصحاب خود می‌یافتند و از سوی دیگر با توجه به گسترش ممالک اسلامی و لزوم ارتباط با شیعیان در نقاط دوردست، تعیین نمایندگان و وکلا، بهترین گزینه برای ارتباط امام و مردم به حساب می‌آمدند. امامان(ع) با گزینش وکیل و سفیر درصدد برقراری ارتباط و انتقال مفاهیم دینی و فرهنگ‌سازی اجتماعی بودند، و از طریق دیپلماسی فرهنگی با نگارش و ارسال نامه و ارتباط مکتوب و شفاهی از طریق وکلای فرهنگی، با شیعیان جهت جمع‌آوری خمس، زکات، نذورات و صدقات، رفع شبهات و پاسخ به سؤالات مردم و رهبری جامعه، در ارتباط بودند. امامان معصوم(ع) در عصر اول عباسی، برای تأمین عزت شیعه و اینکه شیعه مجبور نشود برای تأمین نیازهای مالی خود، در خدمت حکومت ظالم عباسی باشند، از این وجوهات جمع‌آوری شده، برای رفع نیازها و مشکلات مردم استفاده می‌نمودند. از سویی دیگر وکلا و نمایندگان، نقش یک «سپر دفاعی» را برای شیعیان و امامان(ع) داشتند، چراکه اگر وکلا نبودند، شیعیان باید به طور مستقیم و علنی به امام مراجعه کنند و این مسأله برای همه‌ی شیعیان میسر نبوده و از طرفی موجب به خطر افتادن جان امام و به زحمت افتادن ایشان و شیعیان بود. ۱۴.

۳.۵.۱. دوره‌ی امام‌صادق(ع)

امام‌صادق(ع)، با تشکیلات وسیع و گسترده و مخفی که از سراسر جهان اسلام و از خراسان بزرگ تا شمال آفریقا به وجود آورده بود، با ساماندهی سازمان وکالت و اعزاز سفیران فرهنگی، همه‌ی وجوهات را دریافت می‌نمود و از طریق تشکیلات با شیعیان در ارتباط بود و به آنها یاری می‌رساند و این‌گونه به مدت ده سال با دستگاه بنی‌امیه به صورت علنی و طی سال‌های طولانی‌تری با عباسیان به صورت مخفیانه مبارزه می‌کرد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۴ش: ص ۳۱۱-۳۱۲).

۳.۵.۲. دوره‌ی امام‌کاظم(ع)

سازمان وکالت در دوره‌ی امام‌کاظم(ع)، در مرحله‌ی انسجام سازمان و گسترش فعالیت آن قرار داشت. ارتباط وکلای امام‌کاظم(ع) با شیعیان به‌گونه‌ای بود که شیعیان از نقاط دوردست مملکت اسلامی، خمس و وجوهات شرعی خود و همچنین هدایا و نذورات را برای امام‌کاظم(ع) می‌فرستادند و امام نیز آن وجوهات را به افراد مستحق می‌رساند (این شهر آشوب، [بی‌تا]: ج ۴، ص ۲۹۱). یکی از عواملی که باعث کینه‌ی هارون(حک: ۱۷۰-۱۹۳هـ) نسبت به امام(ع) شد، مسأله‌ی ارتباط امام با مناطق مختلف و حکومت حضرت بر دل‌ها و همچنین سرازیر شدن وجوهات به جانب آن حضرت بود و به همین دلیل دستور انتقال آن حضرت را به بغداد داد و در آنجا حضرت را زندانی کرد تا تحت نظر باشد (اصفهانی، [بی‌تا]: ص ۲۶۷).

بعد از شهادت حضرت(ع)، برخی از وکلای امام‌کاظم(ع) با انگیزه‌های مادی و دنیوی در امامت ایشان توقف کردند و امامت امام‌رضا(ع) را نپذیرفتند (شهرستانی، ۱۳۶۷ش: ج ۱، ص ۱۶۸) اخبار متعددی وجود دارند که تأکید می‌کنند علت توقف این گروه در امامت امام‌کاظم(ع)، فریفته شدن به اموال و ثروت‌های فراوانی بود که در نزد آنان جمع شده بود و همچنین شبهه‌های اعتقادی که گاه در اثر القاء اندیشه‌های جدید و گاه به سبب برداشت‌های نادرست از برخی مبانی و مصادر عقیدتی پدید می‌آمدند، در شکل‌گیری و زمینه‌سازی حرکت واقفیه مؤثر بودند. البته رهبران این گروه نقش بسزایی در گسترش سریع این فرقه در بین مردم داشتند، چراکه سران این گروه، از جایگاه علمی و روایی بالایی در بین مردم برخوردار بودند و برخی نیز از وکلای معروف و از فقهای بزرگ شیعه محسوب می‌شدند. این موضوع، تعداد زیادی از شیعیان را به آنان ملحق می‌کرد و یا حداقل در حالت شک و حیرت قرار می‌داد (صفری‌فروشانی، ۱۳۸۸ش: ص ۱۰).



کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

آذرماه ۱۳۹۵ - تهران

۳.۵.۳. دوره‌ی امام‌رضا(ع)

امام‌رضا(ع) به علت حضور در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به پیچیدگی‌های عصر خلافت عباسی در ایران و جهان عرب آن زمان کاملاً آشنایی داشتند و ارتباطی توأم با آگاهی بین‌نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌کردند و ایشان به صورت تأثیرگذار در کانونی‌ترین محلّ اتفاقات و مناسبات اجتماعی و سیاسی زمانه‌ی خود زندگی می‌کردند، از همین‌رو با سیاست‌های مذّبرانه و آگاهانه‌ی خویش در مرحله‌ی عدم همراهی خانواده از مدینه به مرو، بیان احادیث متعدّد در زمینه‌ی امامت و رهبری، ولایت و شروط توحید، گسترش ارتباطات خویش با مردم را حفظ کردند.

در این میان، ایران به عنوان یکی از مراکز سنتی و قدیمی شیعه محلّ فعالیت و کلا و نمایندگان ائمه(ع) بوده است؛ در زمان امام‌رضا(ع) با انتقال آن حضرت به «مرو» عملاً مرکز رهبری و کلا و نمایندگان ائمه(ع) در ایران پیشرفت چشمگیری داشته است(جباری، ۱۳۸۱ش: ص ۱۰۶) در حقیقت پس از انتقال حضرت به مرو به طور طبیعی، ارتباط مردم ایران با رهبری سازمان وکالت بیش‌تر شده و فرصت ارتباط مستقیم زیادی با حضرت فراهم می‌شد(واحدی، ۱۳۸۴ش: ص ۱۷۰-۱۷۵).

بنابراین مرو یکی از نواحی مهمّ خراسان است، که مدتی نیز محلّ استقرار رهبری سازمان وکالت بوده است، این ناحیه با توجه به زمینه‌های شیعی موجود در آن، ارتباطاتی با سازمان وکالت داشته است. در عصر امام‌رضا(ع)، پس از انتقال آن جناب به مرو، این منطقه به مرکز رهبری سازمان وکالت تبدیل شد و فعالیت‌های پنهان حضرت در نظارت بر کار وکلای نواحی مختلف از این منطقه انجام می‌گرفت. وجود لقب «مروزی» برای برخی از اصحاب ائمه(ع) نشان‌گر ارتباط وسیع شیعیان این منطقه با امامان شیعه(ع) و رهبران سازمان وکالت است(جباری، ۱۳۸۲ش: ص ۱۳۹).

امام عصر	امام عسکری	امام هادی	امام جواد	امام رضا	امام کاظم	امام صادق
• (۳۲۹-۳۶۰) • غیبت صغری • تعداد وکلا: ۴۵ نفر	• (۲۶۰-۲۵۴) • تعداد وکلا: ۲۱ نفر	• (۲۲۰-۲۵۴) • تعداد وکلا: ۱۴ نفر	• (۲۰۳-۲۲) • تعداد وکلا: ۱۳ نفر	• (۱۸۳-۲۰۳) • تعداد وکلا: ۱۰ نفر	• (۱۸۳-۱۴۸) • تعداد وکلا: ۱۳ نفر	• (۱۱۴-۱۴۸) • تعداد وکلا: ۶ نفر

(نمودار ۱: مقایسه آماری تعداد وکلای امامان در زمان عباسیان و گسترش فعالیت سازمان وکالت تا عصر غیبت صغری) ۱۵

۳.۶. مناظرات علمی-اعتقادی

۳.۶.۱. دوره‌ی امام‌صادق(ع)

در منابع تاریخی و روایی مناظرات متعددی از امام‌صادق(ع) ثبت و ضبط شده است؛ برای نمونه علامه‌ی مجلسی(م ۱۱۰ق) در «بحارالانوار» تعداد ۲۳ مناظره را از منابع مختلف نقل می‌کند(مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰، ص ۱۶۴-۲۲۲). در همه‌ی مناظرات شاهد اخلاق بردبارانه و رعایت اصول اخلاقی از سوی امام‌صادق(ع) هستیم؛ در آن برهه از زمان، وضعیت فرهنگی جامعه، انسان اندیشمند بزرگ و حلیم و بردباری چون امام‌صادق(ع) را طلب می‌کرد تا با سعه‌ی صدر و صبر و حوصله، به پاسخ شبهات بپردازد. در اینجا به تعدادی از مناظرات امام‌صادق(ع) که در تاریخ ثبت شده اشاره می‌گردد.

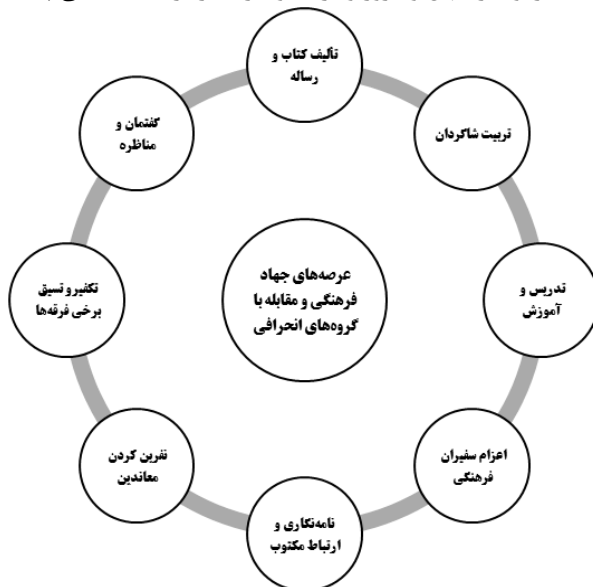
مناظره با «ابوحنیفه»(م ۱۵۰ق) رئیس مذهب حنفیه، مناظره با «ابن ابی العوجاء»(م ۱۵۵ق) از سران کفر و مادی‌گرا، مناظره با «ابوشاکر دیصانی»(م ۱۹۹ق) از منکرین خدا، مناظره با «طیب هندی» در حضور منصور دوانیقی(حک: ۱۳۶-۱۵۸هق)، مناظره با زندیقی به نام «عبدالملک مصری» در باب توحید، مناظره با «معتزله» در مورد بیعت برای «محمد بن عبدالله بن حسن مثنی»، ملاقات عالم بزرگ مسیحی با امام(ع)، از جمله مناظراتی است که درباره‌ی مسایل مختلف علمی و اعتقادی صورت گرفت. ۱۶

۳.۶.۲. دوره‌ی امام‌رضا(ع)

امام‌رضا(ع) نیز با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خاص خود، گامی مؤثر برای رفع اختلافات، آشکار ساختن نواقص موجود در ادیان تحریف شده و اثبات حقانیت اسلام برداشته و شاید بتوان گفت ایشان یکی از اشخاصی است که باب گفت و گوی ادیان را به جامعه‌ی اسلامی باز کرد. دوران امامت امام‌رضا(ع) یکی از دوره‌های طلایی «تمدن اسلامی» است(قرشی، ۱۳۸۰ش: ج ۲، ص ۱۸۱) چرا که در این دوران شاهد اوج مناظرات علمی در زمینه‌ی فلسفی و کلامی در جهان اسلامی هستیم. به دنبال نهضت ترجمه و رونق علمی، افرادی از ادیان دیگر مانند: زردشتی، صابئین، نسطوری، برهمن‌های هند و رومیان وجود داشتند که با امام مناظره و مباحثه داشتند؛ امام‌رضا(ع) با حضور فعال در جلسات بحث‌های علمی، سعی کردند جلوی هرگونه انحراف احتمالی را بگیرند و برتری مکتب اهل‌بیت(ع) را نشان دهند(پیشوایی، ۱۳۷۶ش: ص ۵۰۹-۵۱۰).

امام‌رضا(ع) در زمان ولایت‌عهدی خود در خراسان، مناظرات مختلفی را با افراد و گروه‌های متعددی انجام دادند که اکثر آنها توسط مأمون صورت می‌گرفت. دستگاه خلافت عباسی، مخصوصاً شخص مأمون، با اهدافی خاص، از اندیشوران مذاهب و فرقه‌های گوناگون؛ مانند جاثلیق، رأس‌الجالوت، هریر اکبر، عمران صابی دعوت می‌کرد و آنان را رود روی امام(ع) قرار می‌داد.^{۱۷}

یکی از روش‌های «جهاد فرهنگی» مسائلی بود که امامان معصوم(ع) در مناظره‌های خود تبیین و تشریح می‌نمودند. با بررسی در مناظره‌های اعتقادی، کلامی، فلسفی و علمی امام‌صادق و امام‌رضا(ع)، تحریف‌زدایی، غفلت‌زدایی، جهل‌زدایی، دروغ‌زدایی و جمودزدایی را می‌توان در سخنان و رهنمودهای ایشان دریافت. امامان معصوم(ع) با روشنگری در برابر عقاید و افکار باطل و انحرافی، بر اساس قرآن و سنت پیامبر(ص)، در باب مناظره‌های متعدد با پیروان ادیان و مذاهب، گردوغبار جهل و غرور و فریب و نیرنگ را از امت اسلامی پاک می‌نمودند.



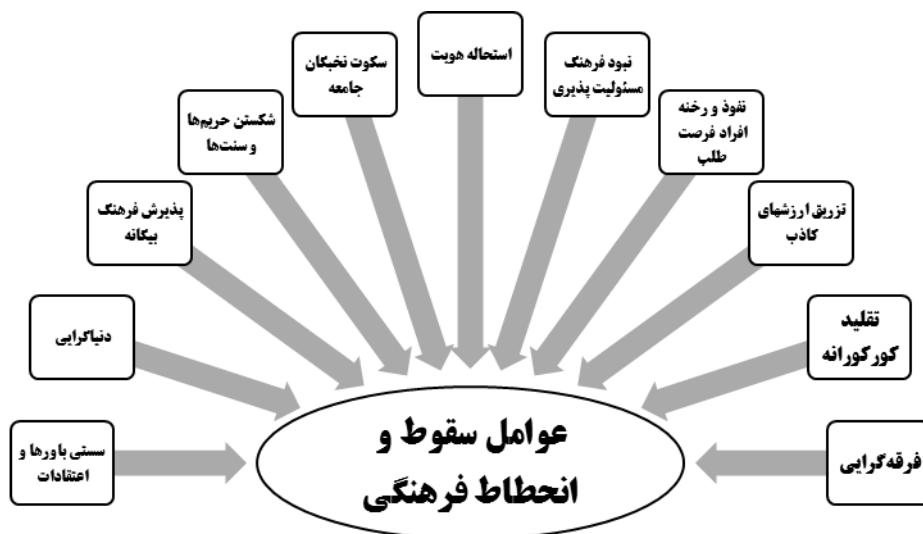
(نمودار ۲: مهم‌ترین عرصه‌های جهاد فرهنگی امامان شیعه در عصر اول عباسی)

۴. عوامل انحطاط فرهنگی در عصر حاضر

همانطور که گفته آمد، امامان معصوم با درک صحیح از وضعیت جامعه‌ی مسلمانان و شرایط خاص زمانه‌ی خویش، علاوه بر رهبری جامعه در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، در عرصه‌ی «جهاد فرهنگی» نیز فعالیت می‌کردند و با توجه به رسالت دینی که به عهده داشتند، از هرگونه تلاش فرهنگی خودداری نمی‌کردند، بدین‌رو نقش امامان معصوم(ع) در دفاع از فرهنگ اسلامی، در برابر هجوم افکار بیگانه در زمان نهضت ترجمه و فتوحات تمدن‌های مجاور، قابل انکار نیست؛ چراکه باورها و اعتقادات هر قوم و ملت، بخش مهمی از فرهنگ آن‌ها را تشکیل می‌دهد و در صورت انحطاط آن، تمدن آن قوم نیز روبه انحطاط می‌رود. در جامعه‌ای که تقلید کورکورانه از دیگران، و مفاسد اخلاقی مانند یأس، ناامیدی، جهل و نادانی، زنا، رباخواری، رشوه‌خواری، اسراف و تبذیر رواج پیدا کند، به تدریج فرهنگ و اخلاق رو به نابودی می‌گراید و در نهایت با انحطاط فرهنگ، جامعه نابود می‌گردد(نک: هدایت‌خواه، ۱۳۷۷ش، تهاجم فرهنگی).

با این توضیح، واکاوی در عوامل و شاخصه‌های سقوط و انحطاط فرهنگی در جوامع اسلامی، ضروری به نظر می‌رسد، تا با شناخت این عوامل و با الگوبرداری و به‌کارگیری از آموزه‌ها و اندیشه‌های فوق‌العاده و شگرف دینی و فرهنگی اهل‌بیت(ع)، از انحطاط فرهنگ اسلامی جلوگیری نموده و با توجه به مطرح شدن شعار «شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی» در تصمیم‌سازی‌های جوامع در عصر حاضر و ایجاد تحول در مدیریت فرهنگی و تمدن‌سازی امت اسلامی بهره برد.

در این راستا برخی از عواملی را که در سقوط و انحطاط فرهنگی در جوامع امروزی تأثیرگذار هستند، در نمودار ذکر می‌کنیم:



(نمودار ۳: برخی از عوامل سقوط و انحطاط فرهنگی در عصر کنونی)

۵. راه‌کارهای مؤثر با تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی در سه اصل اساسی فرهنگ؛ یعنی ۱. شناخت‌ها و باورها، ۲. ارزشها و گرایش‌ها و رفتارها، ۳. کردارهای جامعه‌ی مورد هجوم را با دگرگونی روبرو می‌سازد، البته همیشه به‌دنبال جایگزین کردن فرهنگ مهاجم، به‌جای فرهنگ بومی نبوده، بلکه ممکن است بیگانه کردن مردم آن جامعه از فرهنگ خودی و نابود کردن هویت فرهنگی یک جامعه را در نظر داشته باشد.

بعد از ورود تهاجم فرهنگی در جامعه، نشانه‌های منفی از جمله تفرقه‌افکنی، انحراف و تباهی نسل جوان، انکار توانمندی‌ها، قداست‌زدایی، هزینه‌گی، تحقیرپذیری، حذف آرمان‌ها، تحقیر ارزش‌ها، الگوپذیری نامناسب، تحریف تاریخ، تغییر زبان و خط، تردید در اصول و ارزش‌ها و باورها، نابودی میراث فرهنگی را ترویج می‌دهد و با این هجوم فرهنگی، هویت شخص را در جامعه دچار دگرگونی می‌کند؛ بدین‌رو مبارزه با فرهنگ مهاجم واجب و ضروری است. در این بخش برخی از عوامل جلوگیری از تهاجم فرهنگی را مختصراً ذکر می‌کنیم.

۱. ترویج آموزه‌های اهل‌بیت(ع)، ۲. گسترش امر به معروف و نهی از منکر، ۳. شناخت تهاجم فرهنگی و اهداف و ابزار دشمن، ۴. مسئولیت‌پذیری فرهنگی، ۵. تقویت بینش دینی و سیاسی مردم، ۶. فقرزدایی، ۷. خودسازی متولیان فرهنگی، ۸. تقویت پایه‌های تربیتی و اخلاقی افراد در خانواده و مدرسه و ایجاد ارتباط عاطفی بین والدین و کودکان، ۹. از بین بردن روحیه‌ی مصرف‌گرایی به ویژه در مواردی که سبب وابستگی کشور می‌شود، ۱۰. آگاه کردن مردم از اهداف فرهنگ‌سازان غربی^{۱۸۰}

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش در پرتو آموزه‌ها و فعالیت‌های امامان معصوم(ع) در حوزه‌ی «جهاد فرهنگی» دریافتیم که:

تأکید این نکته به‌جا است که امام‌صادق(ع)، امام‌کاظم(ع) و امام‌رضا(ع)، گذشته از رهبری و امامت شیعیان، یکی از شاخص‌ترین رهبران در میان مسلمانان به‌شمار می‌آیند، که نمی‌توان نقش ایشان را در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن اسلامی انکار نمود. وجود احادیث فراوانی در زمینه‌ی آموزش و شناسایی آموزه‌های ناب اسلامی در حوزه‌ی فرهنگی، که در قالب دستورها، توصیه‌ها، راهکارها، مناظره‌ها، سخنرانی‌ها و بحث و گفت‌وگو با روش‌هایی مبتنی بر انتقال فرهنگ اسلامی، بر پایه‌ی وحی و سنت پیامبر(ص) استوار بود، نشانگر تسلط امامان شیعه در این زمینه‌ها و موضوعات فرهنگی و جایگاه و کارکرد فرهنگ اسلامی است.

پیشوایان معصوم(ع) در عصر اول عباسی با موضع‌گیری و فعالیت خود در فرهنگ‌سازی توانستند در راه رشد و شکوفایی بعضی از ویژگی‌های یک تمدن، دستاوردهای تمدن جدید را صبغه‌ی اسلامی ببخشند و ویژگی‌های تمدنی دیگر را با پذیرش کارکردهای آن و نهادینه کردن آن در راستای تعالی بشر، رشد داده و شکوفا کنند. ائمه(ع)، همچنین توانستند با اشاعه‌ی تعالیم اسلامی به کشورهای دیگر نیز در رشد و شکوفایی تمدن اسلامی مؤثر باشد، چراکه در نظر اهل‌بیت(ع) تعالیم اسلام دارای جوهره و رویکرد تمدنی است، از این رو، جهت دادن به اعمال، بر طبق آن تعالیم باعث می‌شود، هم ایجاد تمدن جدید از یک پشتوانه‌ی ارزشی برخوردار باشد، و هم تمدنی که خود اسلام معرفی کرده و پایه‌گذار آن بوده است، مداومت یابد.



کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

آذرماه ۱۳۹۵ - تهران

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۸۵ق). **علل الشرایع**. نجف. مطبعه الحیدریه.
- _____ (۱۳۹۱ش). **عیون اخبار الرضا**، مترجم محمد رحمتی شهرضا، چ ۷، قم: پیام علمدار.
- _____ (۱۴۱۲ق). **من لا یحضر الفقیه**، قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۲۰۰۹م). **التوحید**، چ ۱، بیروت: دارمکتبه الهلال.
- ابن جوزی، عبدالرحمن. (۱۴۰۱ق). **تذکره الخواص**، بیروت: مؤسسه اهل بیت.
- ابن شهر آشوب. (بی تا). **مناقب آل ابی طالب**، قم: مطبعه العلمیه.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). **کشف الغمه فی معرفه الأئمه**، تصحیح و تعلیق رسولی محلاتی، قم: علمیه.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله. (۱۳۶۱ش). **المقالات و الفرق**، مترجم محمد جواد مشکور، تهران: علمی و فرهنگی.
- اصفهان، ابوالفرج. (بی تا). **مقاتل الطالبین**، مترجم رسول محلاتی، چ ۲، تهران: صدوق.
- پهلوان، چنگیز. (۱۳۹۰ش). **فرهنگ شناسی**، تهران: قطره.
- پیشوایی، مهدی. (۱۳۷۶ش). **سیره پیشوایان**، چ ۶، قم: مؤسسه تحقیقاتی امام صادق.
- جباری، محمدرضا. (۱۳۸۱ش). **نمایندگان ائمه در ایران**، تاریخ در آینه پژوهش، پیش شماره ۱.
- _____ (۱۳۸۲ش). **سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه**، چ ۲، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
- جعفری، محمد تقی. (۱۳۶۵ش). **فرصت ولایت عهدی امام رضا در نشر معارف**، مجموعه آثار نخستین کنگره جهانی امام رضا، چ ۱، مشهد.
- جعفریان، رسول. (۱۳۹۱ش). **گزیده‌ی حیات سیاسی و فکری امامان شیعه**، چ ۱، قم: معارف.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۶۸ش). **الصحاح**، بیروت: احمد عبدالغفور عطار.
- حسینی، علی اکبر. (۱۳۷۹ش). **تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام**، چ ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسینی، جعفر مرتضی. (۱۳۸۹ش). **زندگی سیاسی هشتمین امام**، مترجم خلیل خلیلیان، چ ۲۳، تهران: فرهنگ اسلامی.
- خامنه‌ای، علی. (۱۳۸۶ش). **پیشوای صادق**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خضری و دیگران. (۱۳۸۴ش). **تاریخ تشیع**، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- داعی نژاد، محمد علی. (۱۳۸۱ش). **عزت و افتخار پیامد فرهنگ حسینی**، معرفت، ش ۵۹.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۶۷ش). **الملل والنحل**، چ ۲، قم: الرضی.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله. (۱۳۸۸ش). **فرقه‌های درون شیعی دوران امامت امام رضا (با تکیه بر فطحیه و واقفیه)**، طلوع، ش ۲۸.
- صلاحی، جاوید. (۱۳۷۶ش). **تهاجم فرهنگی و مقابله با آن**، گزارش تحقیقاتی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۸۸ش). **شیعه در اسلام**، قم: بوستان کتاب.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۳ق). **الاحتجاج**، مشهد: نشر مرتضی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۰۳ق). **تاریخ الامم والملوک** (تاریخ الطبری)، چ ۴، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طقوش، محمد سهیل. (۱۳۹۱ش). **دولت عباسیان**، مترجم حجت‌الله جودکی، چ ۷، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی). (۱۳۴۸ق). **رجال کشی**، محقق مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد.
- _____ (۱۳۵۱ش). **الفهرست**، مشهد: دانشگاه مشهد.
- _____ (۱۳۸۰ق). **الرجال**، نجف: منشورات المکتبه و المطبعه الحیدریه.
- فضل‌الله، محمد جواد. (۱۳۹۰ش). **تحلیلی از زندگانی امام رضا**، مترجم محمد صادق عارف، چ ۱۷، مشهد: آستان قدس.
- قائدان، اصغر. (۱۳۸۶ش). **علل و عوامل سیاسی و کلامی پیدایش فرقه‌های شیعه**، تاریخ پژوهان، ش ۱۲.
- قرشی، باقر شریف. (۱۳۸۰ش). **حیاه الامام الرضا**، چ ۲، قم: سعید بن جبیر.
- _____ (بی تا). **حیاه الامام موسی بن جعفر**، بیروت: دارالبلاغه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (شیخ کلینی). (۱۳۷۵ش). **اصول کافی**، مترجم محمد باقر کمره‌ای، چ ۳، قم: اسوه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۷۰ش). **مروج الذهب و معادن الجواهر**، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۶ش). **تهاجم فرهنگی**، محقق عبدالجواد ابراهیمی، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲ش). **ده گفتار**، تهران: صدرا.



_____ (۱۳۹۲ش). مجموعه آثار، تهران: صدرا.

_____ (۱۳۹۳ش). بیست گفتار، تهران: صدرا.

مفید، محمد بن نعمان (شیخ مفید). (بی تا). الإرشاد، قم: مکتبه بصیرتی.

نجفی، محمد حسن. (۱۹۸۱م). جواهر الکلام، مصحح عباس قوچانی، بیروت: دارالکتب الإسلامیة.

نوبختی، حسن بن موسی. (۱۳۹۱ش). فرق الشیعه، مترجم محمدجواد مشکور، چ ۴، تهران: علمی و فرهنگی.

نوری، حسین بن محمد تقی. (بی تا). مستدرک الوسایل، تحقیق مؤسسه اهل بیت، قم: مؤسسه اهل بیت.

نیک آفرین، مهدی. (۱۳۹۲ش). پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۱۰.

هدایت خواه، ستار. (۱۳۷۷ش). تهاجم فرهنگی، چ ۱، تهران: معاونت آموزش و پرورش.

A review on the position and function of cultural jihad by the infallible Imams in the Abbasids' first era

Mohammad Taghi Sazandegi

Payame noor university, Mt.sazandegi92@Gmail.com

Abstract

Indeed the extensive role of Shia Imams as the "Cultural Devotees" within the domain of clarification of religion and culture, is irrefutable; thereupon, the Imams gave special importance to the cultural jihad, and in the most difficult situations, they acted in jihad-oriented manner with all of their efforts, and used all the opportunities to institutionalize the Islamic culture based on the revelation and the prophet's tradition. This research, seeks to review this issue that how the "Shia Imams" took positions during the "Abbasids' fist era" concerning the society's cultural issues, and what have been their activities in the domain of "cultural jihad". Therefore, the purpose of this article is to review and analyze the Islamic society's cultural situation during the foresaid era, and to recognize the behaving approach and the manner of taking positions by three of the infallible Imams within the cultural issues, so that we can take pattern during the present time being informed about their cultural lifestyle and to make some evolutions in the lifestyle of Islamic nation. Enjoying from the description and analysis method, and based on library resources, it is tried in this article to extract the Imams' cultural activities and methods in the Abbasids' first era. One of the results and achievements of this research is the clarification of the cultural standards and criteria which can be called the "cultural jihad" in the lifestyle of the infallible Imams. The cultural pathology for the Abbasids' first era and studying the cultural lifestyle of Imam Sadegh and Imam Reza (peace be upon them) in a new form, can be considered as the innovation aspects in this article.

Keywords: infallible imams (peace be upon them), Abbasids' first era, cultural jihad, cultural invasion, cultural decadence

۱ - Crusade

۲ - Culture

۳ - «حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب»، در سال ۱۶۹ هجری، قیامی را بر ضد «هادی عباسی» (حک: ۱۶۹-۱۷۰) در منطقه‌ی فخر از شهر مکه ترتیب داد. وی قیامش را در مدینه آغاز کرد و پس از تسلط بر این شهر، از آنجا که زمان حج نزدیک بود، همراه سبید تن از شیعیان و نزدیکانش به سوی مکه حرکت کرد. وی در منطقه‌ی فخر با سپاه عباسیان مواجه شد و در نبردی که صورت گرفت به شهادت رسید (طبری، ۱۴۰۳ق: ج ۶ ص ۴۱۰).

۴ - «ابوالحسن علی بن یقین بن موسی بغدادی» (م ۱۸۲ق)، محدث، فقیه، متکلم و از بزرگان شیعه بوده است. وی اهل کوفه، ساکن بغداد و از چهره‌های برجسته شیعه معاصر با امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) بود. در دربار عباسیان، ابتدا از کارگزاران «مهدی عباسی» و به سیمت دیوان امور برگزیده شد. در زمان «هادی عباسی» جایگاه او در دستگاه خلافت عباسی مهمتر شد، تا آنجا که انگشتر و مهر خلافت به دست علی بن یقین سپرده شد و از نزدیکان «هارون الرشید» (م ۱۹۳ق) شد (طبری، ۱۴۰۳ق: ج ۳ ص ۵۲۲ و ج ۶ ص ۳۹۱).

۵ - رک: (طوسی، ۱۳۴۸ق: ص ۴۳۳-۴۳۷)؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۸ ص ۱۵۸).

۶ - «هارون» به امام کاظم (ع) عرض کرد که حاضر است «فدک» را به ایشان برگرداند! حضرت (ع) فرمود: «در صورتی حاضرم فدک را تحویل بگیرم که آن را با تمام حدود و مرزهایش به من بدهی!» هارون پرسید: «که حدود و مرزهای آن چیست؟» امام (ع) فرمود: «حد و مرز اولش، عدن؛ حد و مرز دومش، سمرقند؛ حد و مرز سومش، آفریقا؛ حد و مرز چهارمش، سرزمین ارمینه و بحر خزر است» هارون با شنیدن این سخنان، رنگ چهره‌اش تغییر کرد و با خشم و عصبانیت گفت: «با این وضع، چیزی برای ما باقی نمی‌ماند؟!» امام کاظم (ع) فرمود: «می‌دانستم که خواهی پذیرفت» (ابن جوزی، ۱۴۰۱ق: ج ۱ ص ۲۵).

۷ - جهت آگاهی بیشتر رک: (جعفر مرتضی عاملی، الحیاه السیاسیه للامام الرضا (ع)، ص ۱۵۵-۱۴۰).

۸ - جهت آگاهی بیشتر از تشکیل حکومت توسط امامان شیعه، رک: سیره سیاسی معصومان (ع) در عصر حاکمیت جور، محمد ملک زاده، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۹ - به امامت «عبدالله بن جعفر» معتقد شدند شیعیان به استناد حدیث «الامامۃ فی الاکبر من ولد الامام» به سراغ او رفتند، اما وقتی از پاسخ به سؤالات عاجز ماند، رهایش کردند (نوبختی، ۱۳۹۱ش: ص ۷۷-۷۸).

۱۰ - این گروه معتقدند که امامت از امام صادق (ع) به پسرش محمد ملقب به «دیباچ» که مادرش کنیز بود و حمیده نام داشت می‌رسد و در خاندانش باقی ماند به استناد روایتی از امام صادق (ع) به امامت «محمد بن جعفر» فرزند امام صادق (ع) اعتقاد داشتند (شهرستانی، ۱۳۶۷ش: ص ۱۲۸).

۱۱ - اعتقاد داشتند «جعفر بن محمد» نمرده و زنده است و او «مهدی قائم» است. این فرقه امامت را در اولاد علی بن ابی طالب تا امام صادق قبول دارد ولی منکر شهادت امام صادق (ع) است و علاوه بر این انکار، معتقدند که امام صادق «مهدی موعود» است و نمی‌میرد بلکه از نظرها غائب شده است، چون این فرقه بر امام صادق (ع) تطبیق مهدویت نموده به ایشان جعفریه نیز گفته شده است (شهرستانی، ۱۳۶۷ش: ج ۱ ص ۱۶۶).

۱۲ - این گروه گمان کردند «محمد»، پسر اسماعیل، امام است این گروه را به نام رئیسشان، مبارک‌یه می‌نامند (اشعری قمی، ۱۳۶۱ش: ص ۸۰-۸۱).

۱۳ - این گروه معتقدند که «اسماعیل» فرزند امام صادق (ع) نمرده و او «مهدی قائم» است. محمد بن نعمان تعداد کسانی را که به امامت او قائل شدند، بسیار اندک می‌داند. (مفید، الفصول المختاره، ص ۲۵۲).

۱۴ - جهت آگاهی بیشتر از نقش سازمان وکالت نک: محمدرضا جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۱۵ - منبع: محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، الغیبه، ۱۴۱۲ق: ص ۲۰۹، دارالکتاب الاسلامی.

۱۶ - جهت آگاهی بیشتر از شیوه‌ی مناظره‌ی امام صادق (ع) رک: فاطمه حسینی، شیوه مناظرات انبیا و امام صادق (ع)، نشر امیرکبیر.

۱۷ - برای بررسی بیشتر مناظره‌های امام رضا (ع) رک: (مصطفوی، ۱۳۶۵ش).

۱۸ - جهت مطالعه‌ی بیشتر رک: (مصباح یزدی، ۱۳۷۶ش، صفحات متعدد) و (صلاحی، ۱۳۷۶ش: صفحات متعدد).